بسم الله الرحمن الرحیم

جلسه27- موضوع: درس خارج اصول حضرت آیت الله عندلیب همدانی - حجیت علم اجمالی تاریخ: دوشنبه 27/9/96

**جهت اول در بحث این شد که این فرق اساسی بین ظنون با قطع هست که چون کاشفیت ظن، کاشفیت تامه نیست پس احتیاج دارد، به اینکه شارع مقدس آن را امضا کند چنانکه می تواند آن را طرد کند برخلاف قطع. من فعلا با اصطلاحات قوم دارم پیش می آیم تا بعد که به آیات رادعه از عمل به ظن رسیدیم آنجا حرف اساسی خودمان را خواهیم گفت ولی الان با مشی علماء اصول پیش می آییم. آنها مرادشان از ظن چیزی است که علم یقینی و فلسفی نباشد ولو یک درصد یا کمتر از یک درصد احتمال خلاف را این آقایوون اسمش را می گذارند.**

**جهت دوم: مطلبی را مرحوم آخوند و دیگران مطرح فرموده اند به این عنوان «فی امکان التعبد بالظن» امکان سه اصطلاح دارد.**

**1. احتمال. مثلا می گویند هر چیزی را که شنیدی نفی نکن. فذره فی بقعه الامکان. این یعنی احتمال. اینجا مراد احتمال نیست. بله ما احتمال دارد که متبعد به ظنون بشویم. این امر تکوینی است و قابل نزاع نیست.**

**2. امکان ذاتی است در مقابل استحاله ی ذاتی مثل جمع بین نقیضین یا ضدین که می گوییم محال ذاتی است اما آفریده شدن فلان موجود محال ذاتی نیست. اینجا مراد این معنا هم نیست. چون کسی نگفته تعبد به ظن اجتماع ضدین است نه نهایتا اگر بگویند می گویند منجر به اجتماع ضدین یا مثلین می شود. فرق است بین اینکه بگوییم یک امری محال ذاتی است یا اینکه این حرف غلط است چون منجر به محال ذاتی می شود.**

**3. امکان و استحاله ی وقوعی. از آن امری که اجتماع ضدین بوجود نیاید اجتماع مثلین و نقیضین بوجود نیاید می گویند امکان این امر هست به امکان وقوعی. اما امری که به نگاه اول اشکالی ندارد ولی وقتی دقت کنید منجر به محالی مثل اجتماع ضدین و نقیضین می شود می گویند استحاله ی وقوعی دارد.**

**حالا سؤال ما این است که اگر شارع بخواهد ما را مکلف کند که به ظنون عمل کنیم ما را متعبد به ظن بفرماید، آیا امکان وقوعی دارد یا محال وقوعی است. بعباره اخری از تعبد به ظنون محال عقلی لازم می آید یا نه؟**

**به عبارت دیگر و راحت تر، ما دنبال این هستیم که بگوییم آیا تعبد به ظنون عقلا مانعی دارد یا ندارد؟ نمی خواهیم بگوییم عقلا لازم است تعبد به ظنون.**

**این طرح اساس بحث در جهت دوم.**

**مرحوم شیخ اعظم قدس الله نفسه الزکیه می فرماید اصل این است که امکان دارد، تعبد به ظن هیچ مشکلی در تعبد به ظنون نیست چون عقلا حکم می کنند به امکان مادامیکه استحاله ثابت نشده باشد.**

**مرحله ی دوم این است که مرحوم آخوند سه تا اشکال به ایشان می کند:**

**1. اینکه می فرمایید بنائ عقلا بر این است که معامله ی ممکن می کنند مگر استحاله ثابت شود این بنا از کجاست؟ (حضرت استاد: اضافه می کنیم اساسا بناء عقلا اینجا چکاره است چون اینجا بحث عقلی است نه عقلائی. آیا این برهان تمام است یا تمام نیست).**

**2. سلمنا چنین بنایی را داشته باشیم از کجا که این بنا را حجت می دانید. در صورتی این بنا به درد می خورد که حجت شعری قطعی باشد نه ظنی چون اساس بحث در حجیت ظن است.**

**3. اگر از اشکال دوم هم چشم پوشی کنیم. اصلا این بحث چه فایده ای دارد که مطرح می کنید. اگر شما هم مشاهده می کنید شارع دستور به تبعیت از بعضی ظنون داده است بهترین دلیل بر امکان وقوعی یک امر وقوع خود امر در خارج است. اگر شارع مرا متعبد کرده خودش دلیل بر این است که یک چنین چیزی ممکن است. اگر شارع مرا متعبد نفرموده است چه فایده ای برای این بحث دارید.**

**مرحوم محقق نائینی اشکال چهارمی را مطرح می کند و آن اینکه، اینکه شما می گویید بناء عقلا بر امکان است در وقتی که شک داریم درامکان و استحاله این درامکان تکوینی است نه در امکان تشریعی. در امکان تشریعی ما حق نداریم پیش خود حرفی بزنیم. از کجا که شارع آن چیزی را که یا ممکن است یا محال بگوییم بناء عقلا بر امکان است؟ چیزی که یا عند الشارع محال است یا عند الشارع ممکن است چه ربطی دارد به بناء عقلا.**

**مرحله ی چهارم: مرحوم آقای خویی قدس الله روحه دفاع می کند از مرحوم شیخ و هم سه اشکال آخوند را جواب می ده و هم اشکال مرحوم نائینی.**

**ایشان به بیان ما می فرماید ، یکی آن فهمی که آخوند و نائینی از کلام شیخ دارند. اینکه ما وقتی شک در استحاله داریم بناء عقلاء برامکان است.**

**احتمال دیگری ما می دهیم و آن اینکه اگر فرض کنیم که یک دلیل قعطی معتبری وارد شده بر امکان تعبد به ظن مثلا دلالت کرده این دلیل قطعی بر اینکه ظاهر کلام مولی حجت است. مثل اینکه خبر متواتری داشته باشیم که الظاهر حجت.**

**اگر چنین چیزی باشد بحث داریم که آیا شارع ممکن است که مرا متعبد کند به دلیل ظنی یا خیر. اگر ممکن بود ما به دلیل اخذ می کنیم و می گوییم حجه . اما اگر محال بود ولی شارع فرموده بود، ناچاریم این کلام شارع را توجیه کنیم تا محال و خلاف عقل لازم نیاید. در چنین جایی اگر دلیل دارید بر محال بودن دلیل را بیاورید. اگر دلیل بود دست از ظهور آن دلیل حجیت ظن برمی داریم و اگر دلیل نبود بنا عقلا بر این است که محال نیست حجیت ظاهر.**

**حضرت استاد: در تقویت فرمایش مرحوم آقای خویی عرض می کنیم که ظاهرا فرمایش شیخ همین تفسیر آقای خویی است چون معنا ندارد که آنجا که بحث عقلی است اصل عقلائی مطرح بشود. بناء عقلا جایی است که بحث عقلی نباشه عقلایی باشه. ما بحث را اینجا عقلایی مطرح می کنیم به این صورت که آیا عقلا تعبد به ظن ممکن است یا نه؟ می رویم به دنبال بحث عقلی سه حالت بوجود می آید یا عقلا امکان را اثبات می کنید. اینجا تکلیف روشن است. یا عقلا استحاله را اثبات می کنید که باز تکلیف روشن است ولی گاهی هیچکدام برای ما ثابت نمی شود. اگر فقط تا اینجا باشد دیگر اصلی معنا ندارد که اصل امکان است یا استحاله. کجا اصل معنی پیدا می کند اینجا که از یک سو دیده باشیم شارع تعبد به ظن فرموده و روایت متواتره ای مثلا داریم که خبر الواحد حجه. از آن طرف هم نه برای من امکان حجیت ظن ثابت شده نه استحاله. اینجاست که بناء عقلا وسط می آید. اینجا تو که می گویی ظاهر مراد نیست چون ظاهر محال عقلی است تو باید ثابت کنی. یعنی قلم توجیه احتیاج به دلیل دارد.**

**والحمد لله و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین و عجل فرجهم**